

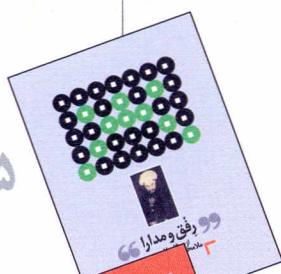
صَفِيرُ حَيَاةٍ

سال اول
شماره سوم
مرداد و شهریور ۱۳۹۴
صفحه ۷۶
قیمت : ۴۰۰۰ تومان

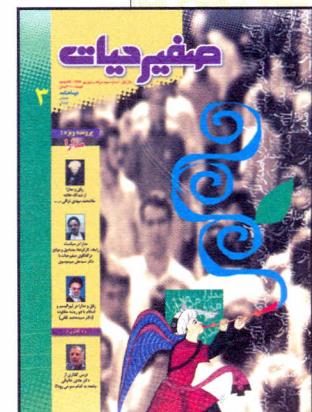
دو ماهانه

اجتماعی
فرهنگی

۳



- ۵ / رفق و مدارا از دیدگاه علامه ملا محمد مهدی نراقی (قدس سره)
- ۷ / مدارا در سیاست، رابطه، کارکردها، مصادیق و موانع در گفتگوی صفیر حیات با دکتر سید علی میرموسوی
- ۱۵ / رفق و مدارا در لیبرالیسم و اسلام با دو ریشه متفاوت (سید محمد تقی ثقی)
- ۲۰ / دینداری در مدار مدارا (محمد تقی فاضل میبدی)
- ۲۷ / مدارا به عنوان یک ارزش اخلاقی (احمد حیدری)
- ۳۲ / مدارا، ویژگی جامعه اسلامی (جلال جلالی زاده)
- ۴۴ / مدارا با همسر در گفتگوی صفیر حیات با جعفر آرشید
- ۴۰ / نقش مدارا در تربیت دینی خانواده (محمد طهماسبی)
- 44 / درس گفتاری از دکتر هادی خانیکی
جامعه به کدام سو می رود؟!
- ۵۰ / فقه و توسعه (محسن رنانی)
- ۵۳ / گلچینی از مصاحبه رسانه‌های خارجی با آیت الله العظمی صانعی در دهه ۸۰
- ۵۷ / اخلاق کریمانه در حکمت دینی (مکارم الاخلاق) (بخش ۱۱) (محمد تقی خلجی)
- ۶۱ / چشم اندازی به اخبار حوزه‌های علمیه
- ۶۸ / نگاهی به یک کتاب: کتابهای گمراه کننده (کتب ضلال) (حضرت آیت الله العظمی صانعی)
- ۶۹ / درخواست اخلاق پسندیده؛ دعای مکارم الاخلاق
- ۷۴ / دیدار آیت الله هاشمی رفسنجانی با حضرت آیت الله صانعی در مشهد



- صاحب امتیاز:
فخر الدین صانعی
مدیر مسئول:
علی اکبر بیگی
● زیر نظر شورای سردبیری:
 مدیر اجرایی:
علی رضا رضایی
مدیر هنری و گرافیست:
سید محسن زمانی
اجرا:
محمد شفیعی
لیتوگرافی و چاپ:
راه فردا
توزيع:
شرکت نامه امروز
● نشانی:
قم، خیابان شهداء، کوچه ۳۷۶
کوچه بنیج، بلاک ۱۶۲
کد پستی: ۴۷۶۶۴ - ۳۷۱۳۷
صندوق پستی: ۹۶۷ - ۳۷۱۸۵
تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۱۰۶۵
۰۲۵ - ۳۷۸۳۵۱۰۹
نماپر: پست الکترونیکی:
safir.hayat@yahoo.com

اشاره

دکتر محسن رنانی استاد اقتصاد سیاسی دانشگاه اصفهان در میان جمیع از صاحبان اندیشه از روانیون و فضای حوزه قم در محل دفتر مجمع محققین و مدرسین، در گفتاری، به رابطه میان فقه و توسعه پرداخت که در این شماره صفیر حیات منتشر می‌شود.

عنوان بحث من، «سازگاری فقه و توسعه» است. منظور از فقه، فقه رایج در نظام جمهوری اسلامی و مجموعه فقهایی است که از این ساختار سیاسی حمایت فکری و معنوی می‌کنند و جمهوری اسلامی به پشتونه این مجموعه فکری یک نظام قانونی و حقوقی را ایجاد کرده است؛ پس منظور ماقه به معنای مطلق آن نیست بلکه فقه حاکم جاری، مورد توجه است. ابتدا چند مقدمه را مختصر بیان می‌کنم: نکته اول اینکه ما سیستم حقوقی را نقد می‌کنیم نه شخص یا اشخاص خاص را. چه بسا افراد خوبی در یک سیستم بد کنار هم قرار بگیرند و نتایج بدی از همکاری آنها حاصل شود؛ مثلاً یک ساعت طلا که اجزای آن از طلا ساخته شده ممکن است کار نکند. (آنچه که من می‌گویم



فقه و توسعه



دکتر محسن رنانی
(استاد اقتصاد سیاسی)

ما برای اینکه سطح خرد را به سطح کلان ببریم نیازمند یک فقه سطح کلان هستیم که باید اسمش را فقه اجتماعی بگذاریم. مسئله خرد را نمی توان عیناً به سطح کلان منتقل کنیم، بلکه باید در یک دستگاه تحلیلی دیگری این کار را انجام دهیم. فقه باید برای استخراج احکام کلان، دستگاه تحلیلی اش را عوض کند، یک سری قواعد جدید ایجاد نماید تا بتواند اصولی برای سطح کلان طراحی کند. باز هم تکرار می کنم، برخی فقیهانی که در مصدر سیاست ایران قرار گرفته دچار خطای ترکیب هستند. معمولاً به همان شیوه‌ای که در مواضع شخصی و جمع‌های محدود برخورد می کنند در سطح کلانی مانند نماز جمعه هم به آن شیوه بحث می کنند.

اقتصاد مطرح شد و باعث تجزیه علم اقتصاد به دو شعبه خرد و کلان شد. آنان گفتند: نمی توان با همان لوازم، مقدمات و مفروضات تحلیل خرد به قصد تبیین رفتار افراد، رفتار خانواده‌ها، یک سرمایه‌گذار، یک خریدار، یک فروشنده و ... رفتار کلان را تحلیل کرد. در حالی که این امور متفاوت، و تحلیل آن هم متفاوت است.

اصطلاحی فنی را به نام «معمای خفت» استفاده می کنند که نشان می دهد مفهوم خطای ترکیب چیست. به عنوان مثال اگر من به عنوان یک انسان تصمیم بگیرم پولم را خرج نکرده و پس اندازم را دو برابر کنم، آخر سال ثروتمندو برابر می شود و در سطح خرد موفق بوده‌ام اما اگر همه مردم یک جامعه در یک سال تصمیم بگیرند پس اندازشان را بالا ببرند و مصرفشان را کم کنند آخر سال همه آنها فقیر می شوند. اگر پس انداز برای یک فرد خوب است؛ الزاماً برای کل جامعه خوب نیست. اگر می خواهیم ثروت جامعه بالا ببرود من باید بیشتر خرید کنم و خرید در جامعه رواج بیشتری پیدا کند تا اینکه دوباره از من بیشتر بخرند و تولید و سودمند باشند. بنابراین برای اینکه سود جامعه بالا ببرود ما باید بیشتر بخریم و کمتر پس انداز کنیم ولی برای اینکه فرد ثروتمند شود باید بیشتر پس انداز کند. پس قاعده پس انداز برای فرد مثبت، ولی برای جامعه منفی است. حالا یک روحانی که در موضع خُرد قرار دارد، موعظه می کند و باید برای مردم از پیامبر(ص) و ائمه(ع) در امور معنوی سخن بگوید، از عدم اسراف و تبذیر بگوید ولی وقتی رئیس جمهور می شود، باید در امور کلان جامعه وارد شود و مثلاً بگوید بخرید، مصرف کنید، یخچالتان اگر پنج سال کار کرد آن را عوض کنید و ... زیرا اقتصاد با افزایش خرید رونق پیدا می کند که در نتیجه در دو سطح متفاوت قرار می گیرد. این خطای ترکیب است یعنی نمی توان احکام مربوط به سطح خرد را به سطح کلان تعیین داد.

در حد یک نظریه است که هنوز ورزیده نشده است. بحث دیگر اینکه: فقه یک سیستم پویا و زنده است؛ گفتم سیستم‌ها نه طبقه دارند و سیستم‌های اجتماعی در طبقه هشتم قرار دارند. نظام فکری هم یک سیستم زنده محسوب می شود. هر چیزی که دو عضو داشته باشد زنده است؛ نظام فقهی هم یک نظام زنده است. نمی توان تنها به کتاب‌های فقهی اشاره کرد و گفت این فقه و نظام فقهی ماست؛ نمی توان به علماء اشاره کرد و گفت اینها فقه ما هستند، فقه مجموعه‌ای از آن کتاب‌ها به اضافه آدمها و به اضافه مناسبات بین آنها و هنجارها و عادات رفتاری و نظمات فکری که حتی پشت ذهن‌شان است، می باشد. ما با یک سری پیش فرض‌هایی وارد کتاب‌ها می شویم، که همه اینها با هم مجموعه نظام فقهی را تشکیل می دهند. بنابراین ما سیستمی را ارزیابی می کنیم که انتظار داریم پویا باشد. تمام سیستم‌های زنده پویا هستند؛ پویا یعنی اینکه خودشان را نسبت به تحولات بیرون اصلاح می کنند؛ هر سیستم زنده‌ای که بخواهد دوام بیاورد باید خودش را دائم نسبت به تحولات بیرون اصلاح کند مثلاً بدن انسان وقتی هوا گرم می شود عرق می کند و در زمان سردی هوا به صورت دیگری واکنش نشان می دهد؛ بدن انسان دائماً با بیرون تعامل می کند تا بتواند پایدار بماند. نظام فقهی هم به عنوان یک نظام زنده اگر بخواهد تاریخ دار بماند باید پویایی خودش را حفظ کند. یک فرض این است، فقهایی که در این نظام فقهی حضور دارند حقیقتاً و مخلصانه دغدغه حراست از این نظام را دارند. فرض دیگر اینکه نظام سیاسی ما خواهان توسعه است. می خواهد به توسعه مرسوم که همه دنیا به سمت آن رفتند یعنی تقویت نهادهای مدنی، گسترش آزادی‌های اجتماعی، توسعه اقتصادی، رفاه و ... دست پیدا کند و اگر این پیش فرض‌ها نباشد دیگر جای بحثی وجود نخواهد داشت. در اینجا سوال این است اگر جمهوری اسلامی قصد حرکت به سمت توسعه مرسوم را دارد؛ آیا این چهارچوب حقوقی می تواند از آن حمایت کند؟

بعد از این مقامات و مفروضات، محور اول بحث را شروع می کنیم و آن تبیین فضای ترکیب است. به این بیان که روحانیان عموماً وقتی مدیریت کلان اجتماعی را در دست می گیرند دچار خطای ترکیب می شوند؛ تا زمانی که در حوزه فردی از فقه برای هدایت افراد و کمک به آنان در مسیر تعالی اخلاقی، روحی و اجتماعی استفاده می شود، مشکلی وجود ندارد؛ ولی به محض اینکه در منصب مدیریت اجتماعی قرار می گیرند دچار خطای ترکیب می شوند. خطای ترکیب وقتی روی می دهد که تمثیل از ذهن روی زمین می آید و می خواهیم در عالم واقع آن را اجرا کیم. شاید اقتصاددان‌ها جزو اولین اندیشمندان علوم اجتماعی بودند که بحث خطای ترکیب را پیش کشیدند. این بحث صد سال پیش در

پیدا کنند، موضوع بهره و ربا بود؛ در این موضوع تلاش شد تا مبانی تحلیلی دیگری برایش پیدا کرده و در سطح کلان آن را حل نمایند، در حالی که بهره و ربا در سطح فردی و خرد حرام است. اما وقتی شما سیاستگزار می‌شوید اگر بخواهید بهره را از اقتصاد حذف کنید گرددش کار را در اقتصاد می‌بندید. بر این اساس، باید ساز و کاری طراحی شود تا آن کسی که می‌خواهد و می‌تواند حکم تغییر را در زندگی شخصی اش اجرا کند و آلوهه نشود و آن کسی هم که می‌خواهد سرمایه‌گذاری کند و اقتصاد را جلو ببرد؛ بتواند، و فقهه پویا باید این تعارض را حل کند. باید در سطح کلان طوری طراحی کنیم که راه هم برای فرد متشريع باز باشد و هم آن که می‌خواهد سرمایه‌گذاری کند، راه را پیدا کند اعم از اینکه متشريع باشد یا نه.

یکی از اهل سنت می‌گفت علت این که مناطق سنی نشین توسعه اقتصادی پیدا نمی‌کنند عدم تمایل به سرمایه‌گذاری از سوی خود اهل سنت است. از بخش‌های مرکزی کشور هم کسی آنچا سرمایه‌گذاری نمی‌کند؛ دولت هم خیلی طی این سی سال در آن مناطق توجه به توسعه نداشته است، اگرچه سرمایه‌گذاری هم کرده است ولی خیلی کار نشده است. گفته شد که خود اهل تسنن هم سرمایه‌گذاری نکرده‌اند چون سرمایه‌گذاری مؤثر، نیاز به سرمایه‌های کلان دارد و سرمایه‌های کلان در اختیار بانک است و باید وام بگیرند ولی به خاطر همین مسائل شرعی سنی‌ها از بانک وام نمی‌گیرند. یکی از روحا نیون اهل سنت می‌گفت من به عربستان و بحرین رفتهم و مجوز گرفته‌ام که اگر وام به قصد تولید، اشتغال و رفع بیکاری جوانان مسلمان باشد، اشکالی ندارد و دنبال این بود که وام بگیرد و گاواری ده هزار رأسی راه بیندازد تا بقیه جرأت پیدا کنند. البته این راه حل‌های فردی خیلی دیر جواب می‌دهد باید یک سیستم فکری طراحی شود تا به صورت سیستماتیک به تکیک مسائل سطح خرد و کلان پپردازد. گفته شد که نظام جمهوری اسلامی این سیستم فکری را طراحی نکرده است و ساختار فعلی حوزه هم به نظر می‌رسد که پویایی لازم را برای حل این مسأله در حال حاضر ندارد. اگر ما بخواهیم به سمت توسعه برویم، یا جمهوری اسلامی باید فقه اجتماعی خودش را طراحی کند - اگر مسیری که حضرت امام خمینی طراحی کردن در راه درستی می‌افتد و از آن سوءاستفاده نمی‌شود شاید می‌توانستیم فقه اجتماعی را ترسیم کنیم، یا اینکه حوزه علمیه وارد این بحث شود؛ در غیر این صورت خلط این دو سطح باعث پرهزینه شدن سیاستگزاری‌ها و تکرار تجربه‌های گذشته می‌شود.

مثال دیگری بزنم؛ در سطح خرد اگر معتادی خواستگاری خواهر ما باید جواب ما منفی است. این حکم در سطح خرد اخلاقی است و می‌توان به بقیه هم توصیه کرد. اما وقتی من در سطح یک مقام سیاسی رسمی قانونی تصویب کنم که هیچ کس حق ندارد با معتقدان ازدواج کند یک مشکل به مشکلات معتقدان اضافه کرده‌ام. پس یک ارزش، اگر در سطح خرد حسن است الزاماً در سطح کلان هم نمی‌تواند حسن باشد بلکه به سینه تبدیل می‌شود. مثال دیگر؛ روش‌های تشویق به نماز خواندن یک حسن است در سطح خرد است؛ اما وقتی در سطح کلان می‌آید اگر حاکم و دولتی بخواهد با همان شیوه‌های سطح خرد، نماز را ترویج دهد به کاهش آن منجر می‌شود بنابراین مدیریت سطح کلان، ابزارهای متفاوتی می‌خواهد. مشکل این است؛ برخی فقهایی که در سطح کلان قرار گرفته‌اند نگاهشان به جامعه نگاه خرد محور است. در حالی که در سطح کلان شما باید کلان محور، تحقیق کنید که چهار خطای ترکیب نشود. چرا این طور است؟ برای این که فقه علم خرد و در سطح خرد است. مثل حقوق که می‌گوید اگر فردی دزدی کرد فلان مجازات در انتظارش است. فقه هم می‌گوید اگر شما مثلاً در نماز شک کردید باید این کار را بکنید؛ اما هیچ موقع نمی‌گوید اگر همه با هم شک کردند چه کار کنیم؟ یا اگر همه با هم گناهی را انجام دادند فلان حکم را برای همه اجرا کنیم؟ اگر شما بخواهید حکمی را که برای سطح خرد است برای همه اجرا کنید نتیجه معکوس می‌گیرید.

ما برای اینکه سطح خرد را به سطح کلان ببریم نیازمند یک فقه سطح کلان هستیم که باید اسمش را فقه اجتماعی بگذاریم. مسئله خرد را نمی‌توان عیناً به سطح کلان منتقل کنیم، بلکه باید در یک دستگاه تحلیلی دیگری این کار را انجام دهیم. فقه باید برای استخراج احکام کلان، دستگاه تحلیلی‌اش را عوض کند، یک سری قواعد جدید ایجاد نماید تا بتواند اصولی برای سطح کلان طراحی کند. باز هم تکرار می‌کنم، برخی فقیهانی که در مصدر سیاست ایران قرار گرفته چهار خطای ترکیب هستند. عموماً به همان شیوه‌ای که در مواقع شخصی و جمع‌های محدود برخورد می‌کنند در سطح کلانی مانند نماز جمعه هم به آن شیوه بحث می‌کنند. مت وعظ در نماز جمعه - که برد ملی دارد - باید با وعظ در مسجد محلی یا وعظ در خانواده متفاوت باشد. یکی از مواردی که فقیهان حاکم تلاش کردن راهکاری کلان برایش

اگر ما بخواهیم به سمت توسعه برویم،
یا جمهوری اسلامی
باید فقه اجتماعی
خودش را طراحی کند -
اگر مسیری که
حضرت امام خمینی
طراحی کردد
در راه درستی می‌افتد
و از آن سوءاستفاده نمی‌شود
شاید می‌توانستیم
فقه اجتماعی را
ترسیم کنیم،
یا اینکه حوزه علمیه
وارد این بحث شود؛
در غیر این صورت
خلط این دو سطح
باعث پرهزینه شدن
سیاستگزاری‌ها و
تکرار تجربه‌های
گذشته می‌شود.